

پژوهش تطبیقی به عنوان یک روش پیچیده

در فلسفه تعلیم و تربیت

محمد حسن میرزامحمدی^۱

بیان مساله

تعلیم و تربیت موضوعی پیچیده است و پژوهش نیز در این عرصه دارای پیچیدگی های خاص خود است. پژوهش تطبیقی یکی از انواع مرسوم پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت است. قبل از انجام این نوع پژوهش، لازم است این موضوع مشخص شود که ماهیت یک کار تطبیقی چیست. پژوهش تطبیقی ساده است یا پیچیده. اگر پیچیده است چگونه و در چه مولفه ها. پیچیدگی برای این نوع پژوهش چه محاسن و معایبی به همراه دارد. این پیچیدگی به ماهیت تعلیم و تربیت بر می گردد یا به خود روش شناسی پژوهش تطبیقی. ربط منطقی این دو نوع پیچیدگی چگونه است. اقدام به انجام پژوهش تطبیقی در تعلیم و تربیت بدون طرح این مسائل و تلاش برای پاسخ به آنها، نمی تواند محقق تطبیقی را به اهداف پژوهش برساند. بسا مواردی باشند که به ظاهر اشتراک در دو طرف تطبیق را نشان دهند، اما در حقیقت نشان از تفاوت بنیادی در آن دو باشند. ساده انگاری مطلق، موجب می شود که محقق این اختلافات اساسی را مشابهت فرض کند و یافته های اشتباه از تحقیق تطبیقی به دست آید. بر این اساس، مساله اساسی پژوهش حاضر این است که نشان دهد پژوهش تطبیقی در فلسفه تعلیم و تربیت، یک نوع پژوهش پیچیده است و سادگی در عین حال که می تواند فوایدی برای این نوع پژوهش داشته باشد، اما نگاه مطلق به آن، خطر فروکاست گرایی، قطعیت انگاری و عینیت را داشته باشد و یافته های پژوهش تطبیقی را بی اعتبار کند.

سئوالات پژوهش

سئوال اصلی: آیا پژوهش تطبیقی در فلسفه تعلیم و تربیت پیچیده است؟

سئوالات فرعی:

mirzamohammadi@shahed.ac.ir

^۱ - استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد،



- پیچیدگی در پژوهش تطبیقی در فلسفه تعلیم و تربیت در چه جنبه‌هایی است؟
 - پیچیدگی در پژوهش تطبیقی در فلسفه تعلیم و تربیت چگونه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؟

چهارچوب نظری

از قرن هفدهم به بعد، روش علمی بر پایه اندیشه فلاسفه و دانشمندانی مانند دکارت، نیوتن و دیگران شکل گرفت. مهمترین ویژگی این رویکرد، سادگی بود. در قرن بیستم و با ظهور اندیشه‌های نوین در حوزه‌های گوناگون دانش، روش علمی قبل متحول و روش جدیدی شکل گرفته است. مهمترین ویژگی روش جدید، پیچیدگی است. بنابراین امروز از "پارادایم پیچیدگی" (در مقابل "پارادایم سادگی") بحث به میان آمده است. این شرایط خودش را به تدریج در تعلیم و تربیت نیز نشان داده است. با الهام از نظریه پیچیدگی، جنبه‌های مختلف تربیتی دچار تحولات اساسی شده است. بر این اساس مدرسه دیگر یک سیستم مکانیکی ساده نیست بلکه یک مجموعه پیچیده اجتماعی است، کلاس درس یک فضای پویا است، فرایند یاددهی-یادگیری فقط مجموعه تکنیک‌های ساده شده تدریس نیست بلکه دربرگیرنده موقعیت‌های پیچیده و تعاملی است. برنامه درسی و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی نیز یک فرایند سیال، تعاملی و پیش‌بینی‌ناپذیر هستند. تاثیر نظریه پیچیدگی بر فلسفه تعلیم و تربیت نیز از جهات مختلفی قابل بررسی است، به عنوان نمونه می‌توان گفت با الهام از این نظریه می‌توان دوگرایی‌های مختلف مطرح شده در تعلیم و تربیت را به چالش فراخواند. ضمناً در فضای فلسفه تعلیم و تربیت، سئوالات بنیادینی در خصوص اجرای این نظریه مطرح شده است. روش پژوهش تطبیقی در فلسفه تعلیم و تربیت نیز متأثر از فضای کلی این حوزه، به عنوان یک روش پیچیده مورد مطالعه قرار می‌گیرد. پیچیدگی می‌تواند در ابعاد مختلف این نوع پژوهش از فرضیات گرفته تا نتایج با آن همراه باشد.

روش

روش پژوهش در تدوین این مقاله روش تحلیل اسنادی بوده است. بر این اساس کلیه منابع نوشتاری (کتاب، مقالات و ...) و غیر نوشتاری (پایگاه‌های اینترنتی و ...) موجود و در دسترس



درباره موضوع بر اساس اهداف و سئوالات پژوهشی، گردآوری شده و مورد تجزیه و تحلیل کیفی قرار گرفته‌اند. ابزار مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها، فرم‌های فیش برداری بوده است.

یافته‌ها

یافته‌های مربوط به سؤال اصلی پژوهش (آیا پژوهش تطبیقی در فلسفه تعلیم و تربیت پیچیده است؟) نشان می‌دهد که پژوهش تطبیقی در فلسفه تعلیم و تربیت ماهیتاً پیچیده می‌باشد. از منظر کلی‌تر، پژوهش‌های اجتماعی دارای ماهیتی پیچیده هستند و تعلیم و تربیت هم یک پدیده پیچیده اجتماعی است. این پدیده دارای مولفه‌های گوناگونی است، ساختن چارچوبی برای گذاشتن وجوه شباهت و تفاوت دشوار است، پیدا کردن علت رخدادهای تربیتی ساده نیست، و بالاخره این که انجام پژوهش تطبیقی، حرکت در مرزهای فرهنگی متفاوت است.

یافته‌های مربوط به سؤال فرعی اول پژوهش (پیچیدگی در پژوهش تطبیقی در فلسفه تعلیم و تربیت در چه جنبه‌هایی است؟) نشان می‌دهد که پیچیدگی در تمام عناصر نظام تربیتی مانند مدرسه، معلم و شاگرد، محتوا، ارزشیابی و ... از یک سو، و مراحل مختلف پژوهش تطبیقی شامل مفروضات، متدولوژی، و یافته‌های آن از سوی دیگر وجود دارد.

یافته‌های مربوط به سؤال فرعی دوم پژوهش (پیچیدگی در پژوهش تطبیقی در فلسفه تعلیم و تربیت چگونه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؟) نشان می‌دهد که انجام این نوع پژوهش فلسفه تعلیم و تربیت دارای محاسن و معایبی است. پژوهش در موضوع و عرصه‌ای که ماهیتاً پیچیده است، نمی‌تواند مطلقاً ساده باشد پس باید پیچیده باشد یعنی حسن آن، پیچیدگی آن است. پیچیدگی می‌تواند ماهیت، ویژگی‌ها و فرایند آن را کامل‌تر نشان دهد و سادگی مطلق، آن را کاهش داده و ابعاد گوناگون آن را فراموش نماید. در عین حال، پیچیدگی در همه زمینه‌های تربیتی نمی‌تواند مناسب باشد. با عطف توجه به پیچیدگی در پژوهش تطبیقی در فلسفه تعلیم و تربیت، نباید از نظریه سادگی در آن گذر کرد و آن را کنار گذاشت. ساده بودن می‌تواند مزایایی در تعلیم و تربیت داشته باشد. در برخی از موارد ما باید نتایج فرایندهای تربیتی را به عینیت ببینیم.



نتیجه‌گیری، بحث و پیشنهادات

انجام پژوهش تطبیقی در فلسفه تعلیم و تربیت فرایندی پیچیده است. ساده‌انگاری مطلق در انجام این نوع پژوهش، به فروکاست‌گرایی می‌انجامد. اما نگاه پیچیده به این نوع پژوهش، نباید ما را از توجه به سادگی در آن غافل کند. محقق تطبیقی در فلسفه تربیتی باید به طور مستمر در فضای پیچیدگی و سادگی در حرکت باشد و از فواید هر دو به نفع پژوهش استفاده کند. ساده‌انگاری موجب می‌شود محقق فکر کند که هر دو موضوعی قابلیت تطبیق دارند، در فرایند تطبیق نیز آفت ظاهرگرایی اجازه مطالعه دقیق وجوه اشتراک و افتراق را نمی‌دهد و بالاخره در نتیجه‌گیری و انجام تطبیق نیز توجه به ظواهر، از رفتن محقق به عمق مساله ممانعت می‌کند. در عین حال اگر در پیچیده‌انگاری افراط شود، هیچ دو موضوعی قابل تطبیق نخواهند بود، وجوه اشتراک و افتراق به روشنی بیان نمی‌شوند و بالاخره در نتیجه‌گیری، ممکن است یافته‌ها از شفافیت کافی برخوردار نباشند.

واژگان کلیدی: پژوهش تطبیقی، پیچیدگی، فلسفه تعلیم و تربیت

منابع

- 1- میرزاحمدی. محمد حسن (1387)، چند مبحث اساسی در آموزش و پرورش تطبیقی: از منظر فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات یسپرون.
- 2- ریگین. چارلز (1388)، روش تطبیقی: فراسوی راهبردهای کمی و کیفی، ترجمه محمد فاضلی، تهران: نشر آگه .
- 3- فرامرز قراملکی. احد (1385) روش‌شناسی مطالعات دینی ، مشهد : انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی .
- 4- مورن. ادگار و همکاران (1387) اندیشه پیچیده و روش یادگیری در عصر سیاره‌ای، ترجمه محمد یمنی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- 5- Morrison.K (2008) Educational Philosophy and the challenge of complexity theory. educational philosophy and theory. vol. 40. No.1. (19-34).